



دنیای عاری از سلاح هسته‌ای، بهانه آمریکا برای تسلط بر جهان

پایگاه اینترنتی ولترنت در گزارشی با تشریح طرح جدید آمریکا برای ساخت تسلیحاتی موسوم به "اصابت سریع جهانی"، تاکید کرده است که آمریکا در حالی از دنیای عاری از سلاح هسته‌ای حرف می‌زند که خود با ساخت تسلیحات جدید قصد تسلط نظامی بر جهان را دارد...

به گزارش فارس، پایگاه خبری تحلیلی "ولترنت" در گزارشی می‌نویسد: چگونه می‌توان نظامی‌گری باثبات ایالات متحده و جنگ‌های تجاوزگرایانه این کشور در سراسر کره زمین را شرح داد؟ چطور آمریکا می‌تواند این حد از مصارف نظامی را به ویژه در زمانی که یک برنده جایزه صلح نوبل سکندار این کشور است، پابرجا نگه دارد؟ آن هم وقتی که آمریکا دچار بحران اقتصادی و اجتماعی بی‌سابقه‌ای شده است.

فکر و منطق حکم می‌کند که انتخاب چنین سیاست‌هایی از سوی ایالات متحده قطعاً همراه با یک هدف خاص بوده است. بر اساس این گزارش، "ریک رازوف" (Rick Rozoff) مدیر گروه بین‌المللی "ناتو را متوقف کنید" طی مقاله‌ای می‌کوشد تا تناقض بیان شده در سیاست جنگ‌طلبانه آمریکا را شرح داده و مسایل نهفته در آن را آشکار کند. این نویسنده آمریکایی که طی 40 سال گذشته در اقدامات ضد جنگ و مخالفت با مداخله‌جویی‌های آمریکا در دیگر کشورها فعال بوده، می‌نویسد: می‌توان در جنگی برنده شد بدون آنکه جنگ را آغاز کرد. پیروزی وقتی بدست می‌آید که حریف بداند نسبت به یک حمله ناگهانی، غیرقابل کشف، خرد کننده و ویرانگر، آسیب‌پذیر است و قادر به دفاع از خود و یا تلافی کردن حمله نیست. رازوف می‌افزاید: تنها یک کشور در دنیا وجود دارد که با داشتن ظرفیت علمی و نظامی مورد نیاز، به صراحت اعلام کرده که قصد چیرگی نظامی بر کلیه کشورها را دارد. و این کشور نیز همان کشوری است که رئیس‌جمهور فعلی آن (باراک اوباما)، دسامبر سال گذشته میلادی آن را تنها ابرقدرت نظامی جهان توصیف کرد. در حقیقت آمریکا آرزو می‌کند که تنها کشوری در تاریخ باشد که تسلط همه جانبه نظامی بر زمین، هوا، دریا و فضا داشته باشد.

از این رو ایالات متحده اقدام به حفظ و توسعه سربازان و پایگاه‌های نظامی، گروه‌های جنگی ناوهای هواپیمابر، جت‌های جنگنده و بمب‌های استراتژیک خود در اغلب نقاط کره زمین کرده و با تعیین بودجه جنگی 708 میلیارد دلاری برای سال آینده، رکورد بودجه‌های جنگی پس از جنگ جهانی دوم را شکسته است.

رازوف می‌نویسد: آمریکا در حالی که اولین کشوری بوده که تسلیحات هسته‌ای را توسعه داده و استفاده کرده، تا حد زیادی به حالت مورد نظر خود رسیده و هم‌اکنون در وضعیتی است که با جان‌نشین کردن گزینه هسته‌ای، برتری نظامی خود بر جهان را تقویت کند. این گزارش می‌افزاید: ایالات متحده سه جنگ بزرگ را طی کمتر از چهار سال علیه یوگوسلاوی، افغانستان و عراق شروع کرده که در فاصله سال‌های 1999 تا 2003 انجام شده و در تمام این سه مورد آمریکا از ده‌ها تا صدها و هزاران نیروی زمینی پس از بهره‌گیری از حملات موشکی و هوایی، استفاده کرده است.

پنتاگون نیز پایگاه‌های نظامی خود را در هر سه منطقه جنگی ایجاد کرده و این در حالی است که همچنان آلودگی‌های ناشی از اورانیوم تهی شده و بمب‌های خوشه‌ای در سراسر این سه منطقه مورد هجوم آمریکا باقی مانده است.

بر اساس این گزارش، باراک اوباما و دیمیتری میدویدیف روسای جمهور آمریکا و روسیه، هشت آوریل سال جاری میلادی، معاهده جدید کاهش تسلیحات استراتژیک موسوم به "استارت" را در "پراگ" پایتخت چک، امضا کردند تا زرادخانه‌ها و سپس سیستم‌های حمل و نقل هسته‌ای خود را کاهش دهند. (البته به شرط تصویب سنای آمریکا و دوماي روسیه).

در همین حال، تنها چند روز قبل از امضای توافقنامه کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای، ایالات متحده سند "بازنگری وضعیت هسته‌ای" (NPR) خود را منتشر کرد که برای اولین بار استفاده اولیه از تسلیحات هسته‌ای را ممنوع می‌کرد.

این گزارش می‌افزاید: اگرچه به نظر می‌رسد که ابر تاریخ هسته‌ای که طی 65 سال گذشته بر سر بشریت سایه انداخته بود در حال پراکنده شدن است اما در هر حال آمریکا 1550 کلاهک هسته‌ای را آماده به شلیک و 2200 کلاهک (برخی آمار 3500 کلاهک را ذکر کرده‌اند) را در ذخایر خود نگه داشته و در کنار آن‌ها نیز تجهیزات حمل و نقل هسته‌ای زمینی، هوایی و زیر دریایی را نیز در اختیار دارد. به نوشته رازوف، مسئله مشمئز کننده‌تر این است که واشنگتن به دنبال جایگزینی برای "شمشیر" و "سپر" هسته‌ای (حمله و جلوگیری از حمله)، با مدلی غیرهسته‌ای است که می‌تواند موجب برهم خوردن آرایش "موازنه وحشت" سابق شود که اگرچه طی شش دهه گذشته تبدیل به یک کابوس جنایتکارانه شده بود، اما هیچ‌گاه منجر به یک جنگ موشکی وسیع نشد.

گزارش ولترنت در رابطه با نسل جدید تسلیحات تولیدی آمریکا می‌نویسد: شمشیر یا نیزه جدید، شامل طرح‌هایی برای سیستم‌های تسلیحات متعارف حمله اول است که در تجهیزات زمینی، هوایی، دریایی و فضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سپ جدید نیز یک شبکه جهانی از تجهیزات حایل موشکی است که در هر چهار منطقه بیان شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت پنتاگون قصد دارد تا قابلیت حمله اول را همزمان با مصنویت در برابر حملات دیگران بدست آورد.

بر اساس این گزارش، زرادخانه غیرهسته‌ای برای از کار انداختن و نابودی پدافندهای هوایی و نیروهای نظامی استراتژیک دیگر کشورهاست که شامل موشک‌های بالستیک بین‌قاره‌ای، موشک‌های بالستیک زیردریایی، موشک‌های کروز مافوق صوت و بمب‌افکن‌های رادار گریز خواهد بود که قادر به فرار از پدافندهای زمینی و هوایی هستند.

این گزارش می‌افزاید: بر اساس تئوری، هرگونه موشک کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد که در کشور هدف باقی باشد پس از شلیک موشک‌های حائل "ضربه کشتن"، نابود می‌شود.

"الکساندر کرامچیکین" (Alexander Khramchikhin)، سه سال پیش کنش و واکنش بین سیستم‌های حمله اول و موشک حایل را این چنین توصیف کرده است: امکان دارد کسی بر روی توسعه یک سیستم ضد موشک بالستیک که بسیار موثر عمل می‌کند مثل سیستم‌های متعارف با دقت بالا، سرمایه‌گذاری کند. اما هدف نهایی، ایجاد توانایی یک حمله اول خلع سلاح کننده (هسته‌ای، غیرهسته‌ای و یا ترکیبی از این دو حمله) علیه ذخایر استراتژیک هسته‌ای دشمن است. بطوریکه موشک ضد بالستیک کار هر چیزی را که از اولین حمله نجات یافته بود، تمام می‌کند.

این گزارش در ادامه با اشاره به بخش‌هایی از سند استراتژی جدید هسته‌ای آمریکا می‌نویسد: گزارش بازنگری وضعیت هسته‌ای که خیلی دیر منتشر شد، بیانگر طرح‌های پنتاگون برای "حفظ یک بازدارنده هسته‌ای ارزشمند و تقویت معماری امنیت منطقه‌ای با استفاده از پدافندهای موشکی" است. این گزارش همچنین تأیید می‌کند که "سیستم‌های غیرهسته‌ای نیز به بازدارندگی منطقه‌ای ایالات متحده افزوده می‌شود و اطمینان مجدد از دستیابی به اهداف نیز با خودداری از اعمال محدودیت در مورد پدافندهای موشکی و حفظ گزینه‌های استفاده از بمب‌افکن‌های سنگین و سیستم‌های موشکی دوربرد در نقش تسلیحات متعارف، بدست می‌آید."

رازوف ادامه می‌دهد: رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا، طی کنفرانس مطبوعاتی ششم آوریل خود که در رابطه با گزارش بازنگری وضعیت هسته‌ای آمریکا و با حضور دریا سالار مایکل مولن رئیس ستاد مشترک ارتش، هیلاری کلینتون وزیر خارجه و "استیون چو" وزیر انرژی برگزار شد گفت: ما موشک‌های سه‌گانه (زمینی، دریایی، هوایی) بالستیک بین‌قاره‌ای، هواپیماهای با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای و زیردریایی‌های مجهز به موشک بالستیک را حفظ خواهیم کرد. و به توسعه و بهبود توانایی‌های غیرهسته‌ای از جمله پدافندهای موشکی منطقه‌ای ادامه می‌دهیم.

مولن نیز در این کنفرانس گفت: ما با استفاده از ابزارهای هسته‌ای و غیر هسته‌ای که ترکیب متعادل‌تری نسبت به تسلیحات موجود دارند، از منافع حیاتی آمریکا و متحدان و شرکای خود دفاع می‌کنیم.

در همین حال گزارش "بازنگری پدافند موشک بالستیک" پنتاگون در اول فوریه این‌گونه اظهار داشت که "ایالات متحده یک رویکرد مرحله‌ای را نسبت به پدافند موشکی و توسعه توانایی‌هایی که سیار و قابل جابجایی هستند، دنبال می‌کند."

علاوه بر آن در بخش دیگری از گزارش بازنگری آمده است: دولت خود را ملزم می‌داند تا "رویکرد مرحله‌ای توافقی اروپا" را نیز از طریق ناتو اجرا کند. در آسیای شرقی نیز ایالات متحده از طریق ارتباطات دو جانبه، برای بهبود پدافند موشکی خود فعالیت می‌کند. آمریکا همچنین به دنبال تقویت همکاری‌ها با تعدادی از شرکای خود در خاورمیانه است.

رازوف می‌نویسد: "گزارش چهارساله بازنگری دفاعی" نیز که ماه فوریه منتشر شد، از طرح‌های مشابهی سخن می‌گوید: گزارش بازنگری دو هدف واضح را اقامه می‌کند. به این صورت که همزمان با موازنه هر چه بیشتر توانایی‌های نیروهای مسلح آمریکا به منظور برتری یافتن در جنگ‌های امروزی، در جهت ایجاد توانایی‌های مورد نیاز برای روبرو شدن با تهدیدات آینده نیز تلاش می‌شود.

در بخش دیگری از این گزارش بازنگری آمده: ایالات متحده همچنان با دارا بودن 400 هزار پرسنل نظامی که در سراسر جهان مستقر هستند، تنها کشوری است که قادر به طرح و حمایت عملیات‌های وسیع در فواصل طولانی است.

بر اساس این گزارش، یکی از اهداف کلیدی سند بازنگری دفاعی آمریکا نیز "توسعه بیشتر توانایی‌های حمله دوربرد" و ارتقای "رشد سریع در توانایی‌های پدافند موشکی بالستیک در دریا و زمین" است.

گزارش ولترنت می‌افزاید: آمریکا همچنین در حال تشدید برنامه‌های خود در حوزه جنگ سایبر و فضایی است که این امکان را بوجود می‌آورد تا تجسس و فرماندهی، کنترل، ارتباطات و سیستم‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای کشور دیگری را بطور کامل از کار بیاندازد. و آن‌ها را بدون دفاع و یا در سطح بسیار ابتدایی از لحاظ فنی قرار دهد.

به گفته رازوف، برنامه‌ای که طی آن واشنگتن با توسعه ظرفیت تسلیحات متعارف خود به دنبال تکمیل استراتژی هسته‌ای پیشین خود است، "اصابت سریع جهانی" (PGS) نام دارد که گاهی از آن با عنوان "حمله متعارف سریع جهانی" یاد می‌شود.

در همین رابطه نشریه "گلوبال سکیوریتی" نیز اخیراً در رابطه با طرح "استارت 2" نوشت: "نخبگان سیاسی روسیه در این توافقنامه نگران مسائل بیان شده و بیان نشده در رابطه با پدافند موشکی بالستیک و سیستم‌های اصابت سریع جهانی آمریکا هستند.

در حقیقت طرح استارت 2 که بعد از استارت 1 مطرح شده بگونه‌ای است که هیچ جزئیاتی در رابطه با موشک‌های حایل آمریکا و یا سیاست‌های حمله اول متعارف بیان نمی‌کند و در عین حال همه‌چیز را در رابطه با آن‌ها مشخص کرده است. بطوریکه این معاهده جدید هیچ محدودیت و یا تأثیری بر تسلیحات بیان شده اعمال نمی‌کند.

این گزارش می‌افزاید: پس از آنکه آمریکا و روسیه، هشتم آوریل معاهده استارت را در پراگ امضا کردند، وزارت خارجه ایالات متحده حقیقتی را در رابطه با "اصابت سریع جهانی" بیان کرد: "نکته کلیدی: معاهده استارت جدید هیچ محدودیتی بر توانایی‌های متعارف اصابت سریع جهانی که آمریکا در حال حاضر در اختیار دارد و یا در نظر دارد که به آن‌ها دست یابد، اعمال نمی‌کند."

بیانیه وزارت خارجه آمریکا با طرح یکسری اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و با هدف ایجاد یک چارچوب مشخص برای استراتژی نظامی کنونی ایالات متحده می‌افزاید: رشد بی‌رقیب توانایی‌های متعارف نظامی آمریکا موجب شده تا ما قادر به کاهش نقش تسلیحات هسته‌ای در بازدارندگی حملات غیرهسته‌ای شویم... وزارت دفاع نیز هم‌اکنون مشغول اکتشاف سیستم‌ها و فناوری‌های همه جانبه برای یک "حمله متعارف سریع جهانی" است که گزینه‌های معتبرتر و مناسب‌تر از لحاظ فنی را در اختیار رئیس‌جمهور می‌گذارد تا با تهدیدات کنونی و جدید روبرو شود.